

معرفی کتاب

درآمدی به جامعه‌شناسی دین

○ علی قنبری

از زمانی که دین از جوانب مختلف تحقیق و بررسی شد، چشم‌انداز اجتماعی دین با توجه پژوهشگران رو به رو گردید. پژوهشگر دین در این حوزه، دین را از جهت بازتاب‌های اجتماعی آن بررسی می‌کند. جامعه‌شناس دین بر آن است که دین در نهادهای اجتماعی و به طور کلی جامعه و زندگی جمعی و اجتماعی افراد چه نقشی دارد و چه نوع خدماتی را به جامعه بشری ارزانی می‌دارد یا در نقطه مقابل، به چه نوع آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود؟

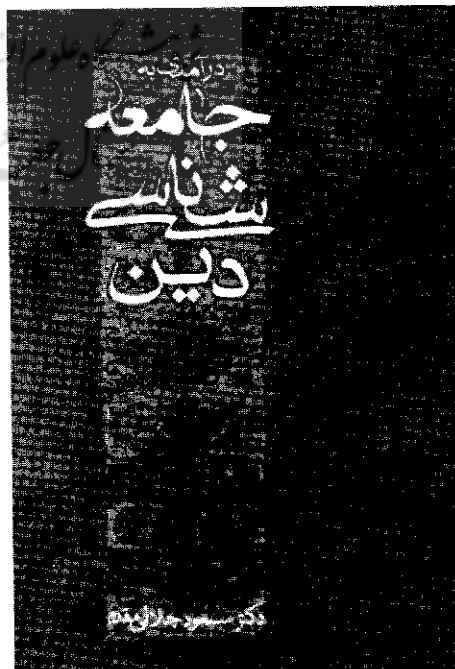
در ایران نیز همانند سایر نقاط جهان سالیانی است که نگرش‌های علمی به دین قوت یافته است و صاحب‌نظران زیادی به تحقیق دین از نقطه‌نظر اجتماعی پرداخته‌اند. البته متأسفانه هنوز جامعه‌شناسی دین در ایران به عنوان یک رشته تحقیقی - تحصیلی درنیامده و هنوز پژوهش‌های دقیق علمی جایگاه و بستر مناسبی نیافته تا شاهد ظهور نظریه‌پردازان و نظریه‌های کاملاً بدیع در این آب و خاک باشیم. به رغم این کاستی، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تحقیق در حوزه دین گاه با تألیف و گاه با ترجمه آثار دیگران بازار این‌گونه موضوعات را گرم نگه داشته‌اند.

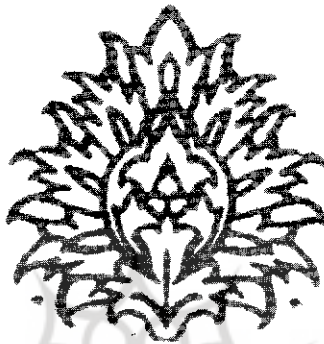
اثری که در دست بررسی داریم یکی از این نمونه‌هاست.

کتاب در یک نگاه

درآمدی به جامعه‌شناسی دین به بررسی موضوع دین در حوزه جامعه‌شناسی پرداخته است و به طور عمده از منابع غیرفارسی به ویژه انگلیسی بهره‌های فراوان برده است. مقاله «کوشش برای شناخت دین» و مقاله «کارکرد دین در جوامع انسانی» (فصل ۲) از یک منبع انگلیسی ترجمه و اقتباس شده است. (ص ۳۶)

○ درآمدی به جامعه‌شناسی دین
○ دکتر مسعود جلالی مقدم
○ تهران، نشر مرکز





موردنظر با این شیوه صورت می‌گیرد (ص ۳). در رویکرد سوم هم میان ادیان رابطه برقرار می‌شود و دین‌شناس با توجه به این مواجهه باید از ادیان دیگر نیز آگاهی داشته باشد تا بتواند به دور از حب و بغض و تعصب درباره موضوع خود تحقیق کند. اساساً تأکید بر دوری از تعصب به این دلیل صورت می‌گیرد که دین‌شناس بتواند در فهم حقیقت دینی و جستجوی آموزه‌های دینی از ادیان دیگر نیز بهره‌های لازم را ببرد، چه این امر مستلزم مقایسه ادیان است. «دانشمند دین‌شناس این رویکردها را در کنار یکدیگر و مکمل یکدیگر به کار می‌گیرد تا گامی بسیار اساسی در راه شناخت علمی از پدیده دین بردارد و آن گام همانا مقایسه ادیان است.» (ص ۸).

مؤلف در ادامه مقدمه، دین را از نقطه نظر علمی و فلسفی تعریف و آن دو را مقایسه کرده است (ص ۵) و در ادامه به نقض دین‌شناسی توصیفی پرداخته و نوشته است (ص ۶): «شیوه توصیفی به بررسی یکایک بازتاب‌های دین در جهان واقعی می‌پردازد و بدیهی است که در این راه نمی‌توان به کل پدیده دین توجه کرد؛ شیوه توصیفی مقتضی در نظر داشتن محدوده زمانی و اجتماعی خاصی است. جنبه زمانی مزبور غالباً زمان حال است و اگر زمانی در گذشته موردنظر باشد، نگرش تاریخی لازم می‌آید؛ اما نگاه علمی به هر جامعه‌ای می‌تواند تعلق بگیرد، جامعه‌ای به کلی غریب و در دوردست‌ها (نسبت به مکان محقق) یا همان جامعه‌ای که محقق عضوی از آن است. در مورد اخیر کمال مطلوب آن است که پژوهشگر از تعلقات خاطر شخصی خویش عاری شود و خود را در جایگاهی کاملاً بی‌طرف قرار دهد. هرگونه جانبداری می‌تواند به کژتابی از مسیر پژوهش حقیقتاً علمی منجر شود و نتیجه بررسی‌ها را مخدوش و حتی نادرست نماید.»

مقاله «نگاهی به تاریخچه جامعه‌شناسی دین» تألیف مستقل مؤلف با استفاده از منابع معتبر است. مقالات بعدی هم تألیفات مستقل مؤلف است که به حق مطالب بسیار سودمندی را برای خوانندگان روشن می‌سازد.

مؤلف محترم از چهل منبع استفاده کرده که از این تعداد شش ماخذ به فارسی (ترجمه از آثار مغرب‌زمینی‌ها) و ۳۴ ماخذ لاتین است که انصافاً در حد متناسب و درخور ستایش است.

سرفصل‌ها و محتوای کتاب

پژوهشگر محترم، کتاب را در یک مقدمه و ده فصل به علاوه واژه‌نامه (فارسی به انگلیسی)، فهرست منابع و فهرست اعلام تألیف کرده است. وی در مقدمه کتاب به انواع مواجهه آدمی با دین پرداخته و نوشته است (ص ۲): «مواجهه آدمی با ادیان به سه طریق صورت می‌پذیرد: با نگاهی متعبدانه نسبت به یک دین و با قصد اثبات معتقدات خود و رد تلقی دینی دیگران؛ با نگاهی فیلسوفانه به ادیان به قصد تفسیر آنها براساس تکاپوی ذهنی، به طریقی که اندیشه دورگستر و ژرف‌پیمای بشری اقناع کند؛ سرانجام با نگاهی محققانه و با قصد درک و شناخت بهتر ادیان مختلف یا پدیده دین به طور کلی.»

با عنایت به سه نوع مواجهه انسان با ادیان می‌توان نحوه ارتباط یک دین با دین یا ادیان دیگر را دریافت. در رهیافت اول اساساً تلاش‌های دین‌شناسانه به ایجاد رابطه با ادیان دیگر منجر نمی‌شود (همانجا). اما در روش دوم، فیلسوف دین به شناختن و یافتن حقیقت دین مبادرت می‌ورزد، در نتیجه می‌تواند میان یافته خود (که به طریق فلسفی و کلامی حاصل شده) و حقیقت ادیان دیگر رابطه برقرار کند. کلام و الهیات دین‌های مختلف هم با این رویکرد مرتبط‌اند، زیرا در آنها برخورد با دین

جامعه‌شناسی دین را گزارش کرده است (ص ۵۸-۶۷):

- روسو و کانت که هر دو دینی کلی و «معقول» را در برابر اعتقادات موجود تاریخی می‌پذیرفتند.

- شلایر ماخر که یکی از نخستین کسانی بود که تفسیر فرهنگی (نظریهٔ تاویلی) را به کار گرفت.

- آگوست کنت که نظریهٔ معروف سه مرحله‌ای الهیات را مطرح کرد و از دین تعریفی کارکردی ارائه کرد. زیرا بر سهم اعتقادات و شعائر دینی در همبستگی اجتماعی و مهار احساسات شخصی اصرار داشت.

- اسپنسر که چشم‌انداز تکاملی دین را ارائه کرد.

- تایلور که کوشش عظیمی برای درک تحول تکاملی بشر مینول کرد. وی در پیشرفت از جان‌پرستی به چند خداپرستی و یکتاپرستی، این مراحل را که در پی هم قرار می‌گیرند با شناخت انسان توضیح داد.

- فرییز که به طور صوری همان نگرش را حفظ کرد، لکن حوزه‌ای وسیع را در دستور کار خود قرار داد که شامل خویشتاوندی شعائری، قربانی انسانی، شعائر باروری و نظایر آنها هم می‌شد و اینها عملاً تفسیرهای متفاوتی را می‌طلبید.

- دیلتای که هم پیرو شلایر ماخر و هم یک کانتی جدید بود، سنت اصالت امور غیرعقلی آلمان را ارائه داد که بر ماهیت غیرقابل تقلیل جهان‌بینی دینی (به امور دیگر) و لزوم فهم درونی برای دریافت صور جامعه‌شناسی دین منجر شد.

- کارل مارکس، به مشابیهت‌های فرهنگی و کارکردی دین، سیاست و ایدئولوژی توجه دقیق داشت... او می‌خواست با عمل انقلابی امیدهای فرجام‌شناختی دین را در همین جهان متحقق کند تا با حصول آنها دین منسوخ شود. وی بر آن بود که هیچ دین دروغینی وجود ندارد، لکن الهیات برای او هیچ‌گاه بیشتر از «جامعهٔ تغییر شکل یافته و به طور نمادین بیان شده» نبود. تحلیل او از دین بر پایهٔ یک خلط اساسی بین معنا یا محتوای نمادهای دینی (تقدس آنها) و یکی از کارکردهای دین (وحدت بخشنده به جامعه) قرار داشت.

- ماکس وبر بر اهمیت دین در کنش اجتماعی تأکید می‌کرد و این اهمیت به سبب نزدیکی دین به نیروهای قدرتمند انگیزشی غیرعقلی و توانایی آن به صورت‌دهی و الگوپردازی این نیروها، و خلق صور و الگوهای ریشه‌ای جدید است.

نویسندهٔ تلاشگر در صفحات بعد (ص ۷-۸) نحوه‌های دین‌شناسی را گزارش داده و دانش‌های مدرسان دین‌پژوهی را بازگو کرده و خدمات این دانش‌ها را به دین‌شناسی متذکر شده و نکات سودمندی را یادآور شده است.

در بخش دیگری از مقدمه، اختلاف «دین‌شناسی دین» و «دین‌شناسی دینی» بیان شده است و موضوعات تحقیق هر دو و اهداف و ابزار آنها بازگو شده است (ص ۱۲-۱۳). در پایان مقدمه، گزارش بسیار مختصری از جامعه‌شناسان بزرگ دین در سده‌های اخیر ارائه شده که در فصل‌های بعدی کتاب به تفصیل دربارهٔ آنها سخن گفته شده است (ص ۱۴-۱۵).

جامعه‌شناسان دین و رویکردهای متفاوت

مؤلف در فصل اول به بررسی کلی نگاه جامعه‌شناختی پرداخته و تفاوت این نگرش با نگاه‌های دیگر را در آن دانسته است که دین‌شناسی اجتماعی به عملکرد عمومی دین در جوامع انسانی علاقه‌مند است: «... توجه جامعه‌شناس به دین از آن روی است که وجهی از رفتار گروهی است، همچنین در قرون و اعصار گذشته، دین نقش‌هایی داشته که بقای گروه‌های انسانی را تقویت، یا با اشکال مواجه می‌کند» (ص ۱۸-۱۹).

مؤلف در فصل دوم به بررسی کارکرد دین در جوامع انسانی پرداخته است که به طور منطقی می‌بایست بعد از فصل اول ذکر می‌شد. در این فصل دین و ارزش‌های اجتماعی و نقش اجتماعی دین بررسی شده است.

در فصل سوم، به تاریخچهٔ جامعه‌شناسی دین توجه شده است (ص ۴۸-۴۹): «مطالعهٔ سیستماتیک و عینی روابط دین و جامعه از پیش از آگوست کنت (که لفظ «جامعه‌شناسی» را اختراع کرد) وجود داشته است. کستوفانس که حدود ۵۶۰ تا حدود ۴۷۸ پ م می‌زیست، دیدگاهی جامعه‌شناختی را در بررسی خدایان برخی از اقوام به کار گرفت». به دنبال این موضوع (تاریخچهٔ تولد جامعه‌شناسی دین)، آرای مختلف در حوزهٔ جامعه‌شناسی بررسی شده و به دو دستهٔ آرای «مبتنی بر اصالت عقل و اصالت امور غیرعقلی» طبقه‌بندی شده و فرعیات هر یک بررسی شده است (ص ۵۷).

مؤلف به طور خلاصه گزارشی از آرای صاحب‌نظران مطرح در حوزهٔ

در جامعه» و «ماحصل آرای واخ در جامعه‌شناسی دین» بررسی شده است و استاد جلالی با حوصله زاینالوصفی به تبیین و توضیح علمی این آرا پرداخته است و به حق خواننده را به مطالعات مفصل‌تر راهنمایی می‌کند. در پایان این اثر فهرست‌های منابع و اعلام و واژه‌نامه فارسی به انگلیسی آمده که خود راهنمای دیگری برای خوانندگان و پژوهندگان حوزه دین است.

نکاتی درباره نگارش و شیوه ترجمه

کتاب حاضر با قلمی روان، قابل فهم و کاملاً علمی نوشته شده است و نشان‌دهنده اهتمام دکتر جلالی در این تألیف ارزنده است. الحق باید به نویسنده محترم دست مریزاد گفت که اثرش به لحاظ ویراستاری و نحوه نگارش یا آثار برجسته قابل مقایسه است. تنها نکته‌ای که درباره نحوه نگارش کتاب می‌توان مطرح کرد این است که برخلاف نگارش و رسم‌الخط جدید جداولی کلمات مبتنی است؛ در این اثر بسیاری از واژه‌ها به هم پیوسته نوشته شده است، مثلاً «بتجربه» «میدهد»، «بعلاوه»، «میشود» و در ص ۲۵ و سایر صفحات، از قبیل واژه‌های «خشنترین»، «جزئیترین»، «عالیترین» و «بیدینها».

نکته دیگر درباره پاره‌ای از جملات قابل ذکر است. راقم این سطور به مواردی از جملات برخورد کرد که با ابهام در فهم مواجه شده است. (برای مثال ص ۲۶-۲۸): «آگاه نتیجه همان القائات در صورت جدیدی که فرد بدان داده به جامعه بازگردانده می‌شود، صورتی که نقش ویژگی‌های آن فرد را با خود دارد، همو که تجارب منحصر به فردی را در طی زندگی داشته است».

نکته‌ای هم درباره همزه لازم به ذکر است که با رسم‌الخط جدید هماهنگی ندارد. مؤلف محترم رسم‌الخط جدید را که پس از الف در واژگان عربی معمولاً به جای همزه حرف ی نوشته می‌شود رعایت نکرده است. رعایت این نکات برای یکسان بودن شیوه نگارش اثر ضروری می‌نماید.

پی نوشت:

۱ - گزیده‌ای از یک منبع انگلیسی با مشخصات:

Nottingham, Elizabeth, K, Religion and Society, 1954, PP. 1-11.

یواخیم واخ. وی که پدیدارشناس دین بزرگی بود، در آن حد متوقف نماند و به تحلیل اجتماعی دین روکرد... واخ به طور سیستماتیک و استادانه گونه‌های مختلف جماعات دینی، مراجع، نمادها و روابط متقابل دین و جامعه را بررسی کرد. او بر خصوصیت اصلی گروه‌های دینی که آنها را از صور اجتماعی دیگر متمایز می‌ساخت، تأکید داشت یعنی تمرکز اصلی آنها بر حقیقت متعال یا «امر لاهوتی».

آقای جلالی مقدم در فصل چهارم به بررسی نظریه دورکیم پرداخته است و از دیدگاه او دین را مظهر قدرت جامعه دانسته است (ص ۶۹). و در فصل پنجم نظریه ماکس وبر را بررسی کرده و بر این نکته اشاره کرده که دین به جامعه جهت می‌دهد (ص ۱۰۵). در این فصل طرح مفهوم کاریسما [کاریزما] از دید ماکس وبر بررسی شده است. وبر در جامعه‌شناسی دینی خود سه نوع کنش دینی را از هم بازشناخته است: کنش دینی جادوگر، دین یار و دین آور (ص ۱۲۱). تئوری کاریسما در دیدگاه وبر در مقابل کنش دین آور مطرح می‌شود. به نظر او دین آور شخصی دارای کاریسماست که رسالتی دارد و رسالتش به وی حکم می‌کند که دین و آیین یا حکم خداوند را اعلام کند (ص ۱۲۲).

از دیدگاه وبر خاستگاه مرجعیت مبتنی بر کاریسما موضوعی خارج از زندگی روزمره است (ص ۱۲۴). به نظر وبر در ادیان ابتدایی مفهوم کانونی کاریسماست و تعبیر وی از این مفهوم بسیار به مفهوم «مقدس» در نزد دورکیم نزدیک است. وی کاریسما را کیفیتی می‌داند که از مدار زندگی روزمره بیرون است و در فرهنگ ابتدایی کاریسما در هستی موجودات، حیوانات، گیاهان و اشیا جاری است (ص ۱۲۷).

فصل ششم کتاب به رابطه اقتصاد و دین، اختصاص یافته است. ادامه این مبحث در فصل هفتم با طرح تئوری مارکس و انگلس درباره دین تکمیل شده است. به همین صورت فصل هشتم نیز به همین موضوع که از موضوعات اجتماعی است، پرداخته شده است.

فصل نهم با عنوان «چشم‌اندازهای نوین» به عناوینی چون «راه‌هایی برای خروج از بن‌بست»، «سرمشق سایبرنتیکی»، «نقش دین در سیستم‌های کنش» و «تکامل دینی» اختصاص یافته است. فصل دهم اثر حاضر به بسط نظریه یواخیم واخ اختصاص یافته است که وی «درک هم‌دانه دین» را در بطن جامعه میسور و مقدر می‌داند. (ص ۱۰) در ادامه این فصل «رویکرد واخ به جامعه‌شناسی دین»، «مختصه‌های دین مستقر